بحث و نظر: پیش بینی ها و عملکردها در مورد صادرات

وقتی دولت نرخ ارز را در 300 تومان تثبیت کرد و هر فروشنده،خریدار ارز را ملزم ساخت تا معاملات ارزی‏ خود را منحصرا از طریق بانکها انجام دهد،تبلیغات‏ گسترده‏ای دربارهء این امر به راه افتاد.انصاف باید داد،برای‏ مدت کوتاهی نیز نرخ ارز در بازار قاچاق به نرخ بانکی‏ نزدیک شد که خوشبینی را فزونی بخشید.با این همه‏ نویسنده بخاطر دارد که در همان زمان رئیس اتاق بازرگانی‏ ایران در چند مصاحبهء رادیو-تلویزیونی و مطبوعاتی اعلام‏ کرد که تحقق بلندمدت هدف تثبیت نرخ ارز موکول به آن‏ است که جلوی هرگونه واردات و صادرات قاچاق گرفته‏ شود تا نیاز به ارز خارج از دستگاه بانکی کشور کاهش یابد و بانک مرکزی بتواند،براساس دریافتهای ارزی خود، برنامهء پرداختهای ارزی را تنظیم کند.متأسفانه نکته‏ اخیر در عمل به اجرا درنیامد و واردات و صادرات از مرزهای‏ غیر مجاز ادامه یافت.نتیجه آنکه عده‏ای از طریق صادرات‏ قاچاق ارزهائی بدست آوردند که طبعا وارد سیستم بانکی‏ نشد و در بازار آزاد عرضه گردید و از سوی دیگر بسیاری از واردکنندگانی نیز که با دشواری تأمین ارز از منابع بانکی‏ روبرو بودند،به بازار قاچاق ارز یا بازار آزاد رو آوردند و خریدار ارز از طریقی غیر از سیستم بانکی شدند.در این ردیف باید از تولیدکنندگانی که نیاز فوری به خرید و وارد کردن قطعات‏ یدکی،مواد اولیه و واسطه داشتند نیز نام برد که گاه ناگزیر به‏ جابجائی منابع ارزی،با کمک ارز بازار آزاد،شدند.به این‏ معنی فرضا به اعتبار منابع ارزی که باید بعدا بدست‏ آورند،فعلا خریدهای خود را با ارز تهیه شده از بازار آزاد انجام دادند.طبعا برای آنان که در بانکهای خارجی‏ صاحب اعتبار هستند،این‏گونه نقل و انتقالات امری عادی‏ است و اختلال و خدشه‏ای نیز در اعتبار اسناد ایجاد نمی‏کند،بانک و طرف خارجی هم مشتاق‏تر است که پول‏ خود را نقدا دریافت کند.به گفته رئیس اتاق بازرگانی ایران‏ در جلسه اخیر هیأت نمایندگان این اتاق:"کشورهای‏ دیگر هنوز گشایش‏های اعتباری ما را یا بسیار اندک‏ می‏پذیرند و یا اصولا بدون تضمین قبول نمی‏کنند".طبیعی‏ اسن که در چنین شرائطی بازار قاچاق یا بازار آزاد ارز،دور از چشم مأموران نظام بانکی،گرمی و رونق می‏گیرد.

اینک این سئوال مطرح می‏شود که در چنین وضعی چرا صادرات با رکود مواجه شده است؟پاسخ اینست که اولا حساب بازرگانان از حساب قاچاقچی جداست.بازرگان‏ معمولا بهترین فردی است که قوانین و مقررات را رعایت‏ می‏کند زیرا می‏داند موفقیت بلندمدت او در گرو پیروی از قوانین و مقررات است و اگر انتقادی داشته باشد صریحا می‏گوید.بنابراین وقتی قوانین و مقررات در برابر وضع بازار جواب ندهد ناچار در انتظار اصلاح مقررات می‏ماند و موقتا کار خود را به حداقل ممکن کاهش می‏دهد،مگر اینکه‏ ناگزیر باشد برای حفظ شهرت و بازار خود،در مورد قرار و مدارها و قراردادهای قبلی دست به‏"استقبال از خطر" بزند.همین امر در مورد تولیدکننده هم صادق است با این‏ تفاوت که تولیدکننده بیشتر درگیر مسائل اجتماعی از قبیل‏ مسأله کارگران و تعطیل نشدن کار می‏باشد و طبعا ناچار است سریعتر به چاره‏جوئی برخیزد.به این ترتیب کسانی‏ که بیشترین ضرور و زیان را از وجود جریان قاچاق واردات و صادرات می‏بینند بازرگانان و صاحبان صنایع هستند. حساب این کارسازهای اقتصادی را باید بکلی از حساب‏ قاچاقچیان حرفه‏ای جدا کرد.و اگر ما می‏گوئیم به هر قیمت‏ باید جلوی قاچاق گرفته شود برای حفظ منافع مشروع‏ و فعالیت مفید و کارآفرین صاحبان صنایع و بازرگانان و حفظ سطح اشتغال در داخل کشور است.

ثانیا:آنچه خارج از نظام گمرکی و از مرزهای قاچاق‏ صادر شود،احصاء نشده و ارز آن نیز وارد مجرای بانکی‏ نمی‏شود تا بتوان از آن طریق آنرا کنترل کرد و میزان آنرا تعیین نمود.اما می‏دانیم بسیاری از کالاها را نمی‏توان از طریق قاچاق صادر کرد،بلکه خصلت این کالاها طوری‏ است که باید از طریق رسمی صادر شود،زیرا تا پاره‏ای‏ گواهینامه‏ها را نداشته باشند اصولا خریدار حاضر به خرید آنها نیست مثل مواد فاسدشدنی یا کالائی که حجیم‏ هستند و همچنین کالاهای که در قبال آنها فروشنده باید سند رسمی ارائه دهد.بیاد داشته باشیم،همچنان که‏ ما در مورد واردات خود حساسیت نشان می‏دهیم،کشورهای‏ خریدار کالاهای صادراتی ما صد چندان در واردات خود حساسیت دارند و سندیکاها و اتحادیه‏های وارداتی اجازه‏ نمی‏دهند که کالاهای موضوع دادوستد آنها بطور قاچاق‏ وارد شده و بازار آنها را برهم زند.این گروه کالاها هستند که‏ بالاترین زیان از جریان کنونی نرخ ارز دیده و می‏بینند. برای مثال بازار صادراتی فرش(که از نوع کالاهای‏ اخیر الذکر می‏باشد)همچنان راکد است.زیرا از یک طرف، قمیت‏گذاری فرش در گمرک،به اظهار صادرکنندگان،به‏ مراتب بیشتر از قیمتهای واقعی کف بازار است و با این‏ قیمت،فروشنده نمی‏تواند کالای خود را،که اینک با رقابت‏ شدید بسیاری از کشورهای دیگر روبروست،در بازارهای‏ بین المللی بفروشد و در مدتی کوتاه تعهدات خود را واریز نماید و از طرف دیگر،محاسبات بازرگانان صادرکننده‏ نشان می‏دهد که اگر در وضع کنونی اقدام به صادرات کنند ناچار باید مقادیری ارز به نرخ آزاد از بازار قاچاق خریداری‏ کنند و با نرخ رسمی که بمراتب پائین‏تر از نرخ بازار قاچاق‏ است،به دستگاه بانکی کشور بفروشند.این ضرور و زیان را چگونه باید جبران کنند،معلوم نیست.تأسف‏آور اینست که‏ این جریان در زمانی روی می‏دهد که توسعهء صادرات‏ غیر نفتی کشور به عنوان محور سیاست بازرگانی خارجی‏ کشور در برنامه دوم تعییت شده است.و تأسف‏بارتر اینکه‏ با وجودی که ماهها از تصمیم اخیر و تأثیر نامطلوب آن‏ در صادرات،خاصه صادرات فرش می‏گذرد،برای از میان‏ بردن اثرات نامطلوب این تصمیم اقدامی صورت نگرفته‏ است.اکنون روشن شده است که 30 درصد تخفیفی که‏ در مورد فرش قائل شده‏اند نیز جواب‏گو نیست.معلوم نیست‏ چند ماه دیگر باید بگذرد تا تصمیمی گرفته شود که مفید فایده باشد.خدا کند آنقدر تأخیر نشود که بازارهای اندک‏ صادراتی ما نیز از دستمان خارج شود.

به هرصورت،عملکرد تثبیت قیمت ارز و انجام امور ارزی از طریق سیستم بانکی به علت پاره‏ای مسائل دیگر-که‏ خواه‏ناخواه به این امر و بستگی و ارتباط پیدا می‏کنند- در حدی نبود که در بادی امر تصور می‏شد.چند ماه قبل‏ نویسنده در جلسه‏ای در کاشان در مورد همین سیاست‏ و راههای نفوذی آن گفتم:بگذارید چهار ماه از این تصمیم‏ بگذرد تا بتوان دربارهء اثرات مثبت و منفی آن قضاوت کرد. بعد مثالی آوردم:شما اگر عده‏ای را در یک اتاق محبوس کنید و تنها یک کوره راه خروجی تعبیه کنید،ناچار همه از آن‏ کوره راه خواهند رفت تا خود را نجات دهند.قوانین و مقررات‏ هم همینطور است،اگر یک راه نفوذ و فرار داشته باشد آنان که‏ گرفتاری دارند از همان راه فرار استفاده خواهند کرد و مستحق سرزنش هم نیستند زیرا که این راه فرار را خود قانون یا مقررات بازگذشته است.این در حقیقت‏ تعبیری از همان مطلب است که رئیس اتاق بازرگانی ایران‏ در جلسه اخیر هیأت نمایندگان اتاق به آن اشاره کرد:" جریانات اقتصادی مانند زنجیره با هم ارتباط مستقیم‏ دارند". بسیار خوب،اکنون که عملکرد ما به مقرارات موضوعه جواب‏ مثبت نمی‏دهد سه را در پیش داریم:یا"مقررات و قوانین را تغییر دهیم‏"یا"عملکرد را بپذیریم‏"و هدف اولیه را کنار بگذاریم و صریحا بگوئیم ما همین را می‏خواهیم و در تعیین‏ هدف توسعهء صادرات در اشتباه بوده‏ایم و یا"قوانین و مقررات‏ "و"برنامه عمل‏"،هر دو را چنان انعطاف‏پذیر سازیم که‏ بتواند ما را به هدف از پیش تعیین نشده برساند.در این‏ زمینه رئیس اتاق بازرگانی ایران در جلسه مورد اشاره اظهار داشت:"ما باید در بودجهء سال آینده سقف اعتبارات‏ را باز کنیم و یا حجم آنرا افزایش دهیم زیرا در بازار ما،بخش‏ توزیع بر بخش تولید استوار است که باید آنرا اصلاح کنیم‏". این گفته رئیس اتاق ایران،خاصه در وضع کنونی که‏ خواسته یا ناخواسته مجبور شده‏ایم بعلت تنگاناهای ارزی‏ بیشرت به فراورده‏های داخلی تکیه کنیم،کاملا مصداق‏ دارد.به نظر نویسنده این مقاله،در حقیقت برای ما یک‏ توفیق اجباری پیش آمده است که به توسعهء تولید و بهبود تولید داخلی روی آوریم تا ابتدا سیاست جایگزینی واردات‏ را تکمیل کنیم و بعد به برون‏نگری یا سیاست توسعهء صادرات روی آوریم.این هردو بدون تقویت تولیدات‏ داخلی میسر نیست و روشن است که هدف از افزایش‏ اعتبارات،اعتبارات تولیدی است و نه مصرفی.در هر صورت‏ باید هرگونه تأخیر و تعلل را نیز مانند هر نوع شبابزدگی‏ مطالعه نشده و نسنجیده دور بریزیم.و اصلاحات قابل‏ اطمینان و ثمربخش را در قوانین و مقررات و نحوهء اجرا بعمل‏ آوریم تا به هدف توسعهء صادرات غیر نفتی تحقق بخشیم‏ و از کارهای خود نتیجهء معکوس نگیریم.ما هنوز نمی‏دانیم‏ آنان که متولی توسعهء صادراتند دقیقا چه برنامه‏ای دارند و چه تدبیری اندیشیده‏اند که بازار صادرات از انتظار چند ماهه خارج شود.اگر برنامه‏ای دارند بهتر است مردم- خاصه جامعهء اقتصادی کشور،را پیشاپیش در جریان‏ بگذارند و باز هم پشت درهای بسته تصمیم نگیرند. برنامه‏هایتات را با صاحبنظران و دست‏اندرکاران در میان‏ بگذارید.آنها را به یاری بگیرید و برای اجرای برنامه‏ها نیز زمانی معقول قائل شوید.یکی از خواستهای سمینار بررسی مشکلات صادرات در تبریز نیز همین بود. نگرانی بازرگانان صادرکننده اینست که پائیز،یعنی فصل‏ توسعهء صادرات نیز،بپایان برسد و رکود برطرف نشود. با مطالعه ولی سریع باید عمل کرد.